



سرمقاله

ریاست جمهوری او. تنها ۳۱ درصد آمریکایی‌ها از ادامه اقدام نظامی علیه ایران حمایت کرده‌اند و ۸۳ درصد انتظار دارند درگیری طولانی شود. جنگ ممکن است برای آمریکایی‌ها روزی به پایان برسد، اما هزینه اقتصادی آن سال‌ها و حتی دهه‌ها در اقتصادشان باقی خواهد ماند. آمریکا با همه ظرفیت مالی، پول ملی معتبر و بازارهای عمیق خود، اکنون برای مهار فشار قیمت‌ها ناچار به تصمیم‌هایی شده که حتی در ادبیات سیاسی داخلی این کشور با تعبیرهایی مانند «بازگشت به کمونیسم» مورد انتقاد قرار می‌گیرد. این تناقض، عمق فشار اقتصادی را نشان می‌دهد. یعنی مشکلات فردای آمریکا به مراتب بیشتر از امروز است. این همان نقطه‌ای است که مسئله قیمت گوشت، باک بنزین گران و اوراق خزانه با بازده بالاتر، در یک روایت مشترک به هم می‌رسند؛ روایتی که صورت‌حساب جنگ برای آمریکایی‌ها، از بودجه دفاعی و موشک‌های رهگیر، به سفره مردم رسیده است. نکته جالب آنجاست که گزارش‌ها نشان می‌دهد کسب کار شخصی و خانوادگی ترامپ از این وضعیت سود برده‌اند. موضوعی که به طور مستقل جای تأمل و تحلیل دارد و نشان می‌دهد جنگ و جنایت برای ترامپ، نوعی کسب و کار و ابزار کسب ثروت بیشتر است.

روز رسیده است؛ یعنی نزدیک پنج میلیون بشکه کمتر از سال قبل. هم‌زمان، موجودی فرآورده‌های نفتی آمریکا نیز پایین مانده و ذخایر سوخت‌های تقطیری به حدود ۱۰۳.۴ میلیون بشکه رسیده است. این اعداد یک زنجیره معنایی ساده دارند: انرژی گران‌تر، حمل‌ونقل گران‌تر، غذای گران‌تر؛ و غذای گران‌تر، فشار بیشتر بر خانوار. از سوی دیگر، تورم بالاتر دست‌فدرال‌رزرو را برای کاهش نرخ بهره می‌بندد و نرخ‌های بلندمدت بالاتر، هزینه تأمین مالی دولت آمریکا را افزایش می‌دهد. بدهی ملی آمریکا نیز برای نخستین بار از ۴۰ تریلیون دلار گذشته است. حتی بازار ارز و اوراق هم از این فشارها بی‌نصب نمانده‌اند. آمریکا و ژاپن برای مهار سقوط ین وارد یک مداخله مشترک کم‌سابقه شدند؛ اقدامی که آمریکا آن را برای جلوگیری از بی‌ثباتی گسترده‌تر بازارهای مالی ضروری دانست. این به روشنی یعنی مسئله دیگر در یک میدان محدود نظامی یا حتی بازار نفت خلاصه نمی‌شود. شوک‌های ناشی از جنگ می‌توانند از مسیر انرژی و تورم به نرخ بهره، بدهی، ارز و سرمایه‌گذاری منتقل شوند. نشانه سیاسی این فشار هم روشن است. نظرسنجی رویترز / ایپسوس در ماه گذشته، محبوبیت ترامپ را ۳۳ درصد نشان داد؛ یعنی پایین‌ترین سطح دوران

اینجاک تناقض اقتصادی مهم آشکار می‌شود. واردات ارزان شاید بتواند در کوتاه‌مدت اندکی از فشار قیمت مصرف‌کننده کم کند، اما اگر دامدار آمریکایی احساس کند تولید بیشتر سودی ندارد، بازسازی گله به تأخیر می‌افتد و مشکل عرضه پابرجا می‌ماند. حتی کارشناسان آمریکایی درباره اینکه این سیاست واقعاً بتواند قیمت فروشگاه‌ها را ۲۵ درصد پایین بیاورد، تردید دارند. چراکه قیمت نهایی در آمریکا فقط به تعرفه وابسته نیست و هزینه فرآوری، حمل‌ونقل و توزیع نیز در آن سهم دارند. اما داستان گوشت تنها یک نمونه کوچک از مسئله بزرگ‌تری است که آمریکا این روزها با آن روبه‌رو شده است. انرژی، حلقه مهم‌تر این زنجیره است. آخرین میانگین قیمت بنزین در آمریکا حدود ۴۰.۸ دلار برای هر گالن بود و انجمن‌های آمریکایی اعلام کرده‌اند که در مسیر ثبت رکورد گران‌ترین بازار سوخت قرار گرفته‌اند. این رقم برای اقتصادی که ترامپ وعده داده بود هزینه انرژی را به شدت پایین بیاورد، از نظر سیاسی به این معناست که جنگ و اختلال در بازار انرژی از روی صفحه بازار نفت عبور کرده و مشخصاً به پمپ‌بنزین رسیده است. اما باز هم مسئله فقط بنزین نیست. آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید تولید پالایشگاه‌های جهان به ۸۰.۹ میلیون بشکه در

گاهی برای فهمیدن حال یک اقتصاد بزرگ، لازم نیست به نمودارهای پیچیده بورس و بازار بدهی نگاه کنیم. کافی است قیمت یک همبرگر و واکنش مردم را ببینیم. این روزها در آمریکا، گوشت چرخ‌کرده، بنزین و گازوئیل به زبان ساده‌تری از گزارش‌های اقتصادی، هزینه‌های جنگ و فشارهای آن بر سیاست‌جنگ‌طلبانه آمریکا را روایت می‌کنند. دولتی که با وعده کاهش هزینه زندگی به قدرت رسید، اکنون برای پایین آوردن قیمت گوشت ناچار شده مهم‌ترین دیوار تعرفه‌ای خود را کنار بگذارد و هم‌زمان در انتظار انرژی گران‌تر باشد. دونالد ترامپ حدود ده روز پیش اعلام کرد آمریکا طی ۹۰ روز اجازه ورود حداکثر ۳۰۰ هزار تن گوشت مورد استفاده برای تولید گوشت چرخ‌کرده را با تعرفه مزاد کمتر خواهد داد و مدعی شد این محصول ۲۵ درصد پایین‌تر از قیمت کنونی بازار عرضه می‌شود. اما مسئله اصلی گوشت آمریکا تعرفه نیست؛ عرضه است. تعداد گاوهای این کشور به پایین‌ترین سطح حدود ۷۵ سال گذشته، یعنی نزدیک ۸۶ میلیون رأس، رسیده است. خشکسالی، هزینه خوراک و محدودیت واردات دام از مکزیک، عرضه را تحت فشار گذاشته‌اند. قیمت گوشت چرخ‌کرده نیز طی پنج سال گذشته حدود ۵۷ درصد افزایش یافته است.

#اعتراف نانسی پلوسی

از «خشم حماسی» تا «شکست حماسی»

شش ماه از آغاز تجاوز آمریکا علیه ایران گذشته و حالا انتقادها از نتیجه این جنگ در داخل واشنگتن افزایش یافته است. نانسی پلوسی، رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که پس از شش ماه جنگ و صرف میلیارد دلار، عملیات موسوم به «شکست حماسی» حتی به «یک هدف راهبردی واحد» دست نیافته است. او همچنین از کشته شدن ۱۹ نظامی آمریکایی و زخمی شدن بیش از ۷۵۰ نفر در این جنگ انتقاد کرده و آن را یک «اشتباه فاجعه‌بار» خواند. پلوسی در این پیام به کنایه از عبارت «شکست حماسی» استفاده کرده تا بر شکست ترامپ در این جنگ و تجاوز علیه ایران تأکید کند. چاک شومر، رهبر اقلیت دموکرات در سنا، نیز با انتقاد از عملکرد دولت ترامپ گفته که واشنگتن درباره شکست ایران اظهارات نادرستی مطرح می‌کند و در حالی که جنگ موجب افزایش قیمت سوخت و بی‌ثباتی جهانی شده، ایران همچنان کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارد. مسئله مهم در این مورد، شکاف میان «ادعای پیروزی» و «نتیجه واقعی» است. ترامپ نه تنها نتوانسته اهداف اعلامی خود در ابتدای جنگ را محقق کند، بلکه در برابر ایران متحمل شکست سنگینی شده است؛ شکستی که حتی باعث ریزش شدید آرای وی در میان جوانان آمریکایی شده است. در این شرایط، کارشناسان بر این باور هستند که ترامپ برای نجات از باتلاق ایران هنوز نتوانسته است راه‌حلی پیدا کند و همین مسئله باعث افزایش هزینه‌ها بر آمریکایی‌ها شده است.

قاب

میهمانان کنفرانس وحدت به دارالذکر آمدند

حضور جمعی از علما و اندیشمندان حاضر در چهلمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در رواق دارالذکر حرم مطهر رضوی برای زیارت مزار نورانی رهبر شهید انقلاب اسلامی. ۱۴۰۸/۰۶/۰۸



جنگ منطقه‌ای

۱۸۰ روز شکست راهبردی

شش ماه از جنگی می‌گذرد که آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف تضعیف جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند؛ جنگی که دونالد ترامپ وعده داده بود ظرف چند روز به پایان برسد، اما اکنون پس از ۱۸۰ روز، به آزمونی فرسایشی برای راهبرد واشنگتن تبدیل شده است. روایت رسانه‌های آمریکایی از این شش ماه، تصویری متفاوت از وعده‌های اولیه کاخ سفید ارائه می‌دهد. واشنگتن پست می‌نویسد ایران پابرجا مانده، تنگه هرمز همچنان بسته است، جایگاه ترامپ آسیب دیده و ذخایر تسلیحاتی آمریکا تحت فشار قرار گرفته است. سی‌ان‌ان نیز تأکید دارد اهداف اعلام‌شده جنگ محقق نشده و مدام تغییر کرده‌اند؛ نشانه‌ای از ناکامی راهبردی. نیویورک تایمز نیز معتقد است فشار اقتصادی فزاینده بعید است بتواند نتیجه‌ای متفاوت از جنگ نظامی رقم بزند و آمریکا نتوانسته ایران را به پذیرش خواسته‌های خود وادار کند. پولیتیکو از کاهش ذخایر تسلیحاتی، فشار بر پنتاگون و افزایش تردیدها درباره توان حفظ نفوذ آمریکا سخن می‌گوید. آسوشیتدپرس نیز نتیجه‌ای قابل تأمل ارائه می‌کند: غرب آسیا تغییر کرده، اما نه مطابق خواست واشنگتن و تل‌آویو. اکنون پس از ۱۸۰ روز، مسئله اصلی دیگر چگونگی واداشتن ایران به تسلیم نیست؛ پرسش این است که آمریکا چگونه می‌تواند از جنگی که قرار بود ایران را به زانو درآورد، بدون مواجهه با واقعیت یک شکست راهبردی خارج شود.